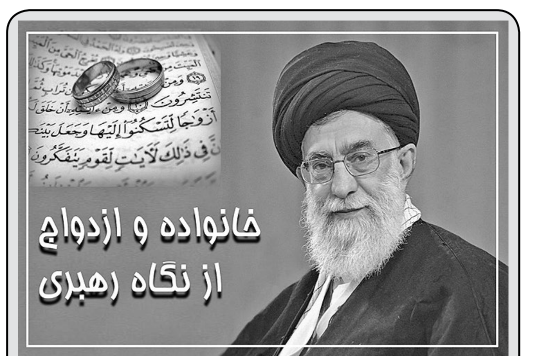

برويد با هم بسازید

بنای کار ازدواج، بر ســازش دختر و پسر است؛ باید با هم بســازند. این «با هم بسازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. من یک‌وقت خدمت امام رفتم، ایشان می‌خواستند خطبه عقدی را بخوانند؛ تا من را دیدند، گفتند شما بیا طرف عقد بشو. ایشان برخلاف ما - که طول و تفصیل می‌دهیم و حرف می‌زنیم- عقد را اول می‌خواندند، بعد دو، سه جمله کوتاه صحبت می‌کردند. من دیدم ایشــان پس از اینکه عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پســر کردند و گفتند: بروید با هم بســازید. من فکر کردم، دیــدم که ما این همه حرف می‌زنیم، اما کلام امام در همین یک جمله «بروید با هم بسازید»، خلاصه می‌شود! حالا ما هم عرض می‌کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است. هر چیزی که با ساختن عروس و داماد، دختر و پســر، زن و شوهر منافات دارد، بایستی بیگانه تلقی بشود. این را اصل قرار بدهید، تا ان‌شاءالله خداوند متعال برکاتش را بر شما نازل کند.

* خطبه عقد، مورخه ۲۰ /۱۳۷۰/۴
پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

در محضر امام خمینی(ره)

سیره امام در روزهای تاسوعا و عاشورا

- امام در کربلا در روزهای تاســوعا و عاشــورا برای امام حسین(ع) مجلس عزاداری برگزار می‌کردند و در این مجلس، روضه خوانده می‌شــد. امام از ابتدا تا انتها در مجلس حضور داشتند. * حجةالاسلام و المسلمین سیدعلی اکبر محتشمی پور، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی ، ج۳، ص ۳۳)

- امام مقیدند که در روزهای مهم عزاداری و بخصوص روز عاشورا روضه خوانی برگزار کنند و معمولاً همان روضه خوانهای ســنتی می‌آیند خدمت امام می‌نشینند و روضه می‌خوانند، امام گریه می‌کنند آنها اشعار سنتی را می‌خوانند و توجه دارند بــه اینکه برای مراعات حال امام کــم مصیبت بخوانند. زیرا آنقدر امام شــیفته اهل‌بیت(ع) می‌باشند که ممکن است در اثر گریه زیاد دچار ناراحتی شوند. امام در این مواقع با صدای بلندگریه می‌کنند.

* برداشت‌هایی از سیره امام خمینی ، ج۳، صص ۳۳ و ۳۴

ـ در شــب عاشورا در نوفل لوشاتو بعد از اینکه نماز تمام شد، امام فرمودند: «کسی هست روضه بخواند؟» و به یکی از برادرهــا امر فرمودند که روضه بخواند. همه ناظر بودند که تا ذاکر شــروع به ذکر مصیبت کرد امام دستمالشان را درآورده و شروع کردند به‌گریه کردن. این عمل امام به ما آموزش داد که در حادترین جریانات سیاسی اجتماعی، هدف و مقصد که احیای سنت رسول‌الله است، نباید فراموش شود.

* مرضیه حدیده چی - سرگذشت‌های ویژه ازززندگی امام خمینی - ج ۴ - ص ۴۵.

ـ در نوفل لوشــاتو روز عاشورا که فرا رسید امام فرمودند تمام حضار در منزل ایشان را به مناسبت این روز اطعام کنند.

*حجةالاسلام و المسلمین سید علی اکبر محتشمی پور، برداشت‌هایی از سیره امام‌خمینی، ج۳، ص ۳۵

ـ امام در روز عاشورا به احترام عزای سیدالشهدا(ع) که در حضور ایشــان برپا می‌شد به جای نشستن بر روی صندلی بر روی زمین می‌نشستند.

* حجةالاسلام و المسلمین رحیمیان، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی ، ج۳، ص ۳۶

اهتمام به مجالس روضه و دستجات عزاداری

ـ شب‌های محرم که مجالس روضه در محلّه‌های مختلف قم برگزار می‌شد، امام در آن مجالس شرکت می‌کردند، برای اینکه هم مردم را تشویق کنند، هم مجالس را گرم نگه دارند.

*حجت‌الاسلام و المسلمین سید حسن طاهری خرم‌آبادی - پا به پای آفتاب - ج۳ - ص ۳۲۳.

ـ زمانی که امام در ایران تشــریف داشتند سه روز روضه داشتند که ایام فاطمیه دوم بود؛ یعنی در روزهای اول تا سوم جمادی الثانی روضه داشتند. در نجف که بودند سه شب احیاء ماه رمضان را هــم اضافه کرده بودند. امام در کربلا گاهی در دستجات سینه‌زنی و عزاداری شرکت می‌کردند. در نجف که دستجات خدمت ایشان می‌آمدند به آنها اظهار لطف می‌کردند.

* حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالعلی قرهی - سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی - ج ۶ - ص ۱۴۶.

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

خمس هدیه

س) مبلغی پول را در روزهای نزدیک به پایان سال خمسی به همسرم هدیه دادم، آیا به این پول خمس تعلق می‌گرفته یا خیر؟

ج) اگر هدیه عرفاً مناسب شأن باشد- در نظر عقلا سفاهت و اســراف محسوب نشــود- و بخشش صوری و به قصد فرار از خمس نباشد، خمس ندارد.

شک در تعداد تسبیحات اربعه

س)۱. اگر در رکعت ســوم یا چهارم شک کنیم که تســبیحات اربعه را دو بار گفته‌ایم یا ســه بار وظیفه چیست؟

۲. در صورتی که در این مورد بســیار شک کنیم و حالت وسواس باشد چه وظیفه‌ای داریم؟

ج)۱. می‌توانید یک مرتبه دیگر تسبیحات را بگویید.

۲. نباید به شــک اعتنا کنید و باید بنــا بگذارید بر اینکه تسبیحات اربعه سوم گفته شده است.

شک در وجود مانع قبل از وضو

س) اگر قبل از وضو شــک کند که مانعی در اعضای وضو وجود دارد یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج) چنانچه احتمال وجود مانع در نظر مردم به جا باشــد - مثل آنکه بعد از گِل‌کاری احتمال بدهد که گِل به دســت او چسبیده- باید بررسی کند یا بقدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده بر طرف شده و آب به زیر آن می‌رسد.

بایدها و نبایدهای ماه محرم از نگاه رهبر معظم انقلاب

با تحریف مقابله کنید

زنده نگه‌داشــتن یاد و خاطره امام حســین(ع) و شهیدان کربلا و ادامه راه آنان از افتخارات مسلمانان، شیعیان و آزادگان است. مردم ایران نیز سالیان زیادی را با برپایی حســینیه‌ها و تکیه‌ها به دنبال پاســداری از خون شهیدان هستند. برپایی مراسم‌های عزاداری ســالار شــهیدان آداب و ســنت‌هایی دارد که باید به آن توجه کرد. آنچه در ادامه می‌خوانید، مروری بر برخی سخنان رهبر فرزانه انقلاب درباره بایدها و نبایدهای برپایی مراســم‌های عزاداری اســت که به نقل از خبرگزاری دانشجو از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

عاطفه برانگیز و تکان‌دهنده

امام (ره) با ظرافت، آن تصور غلط روشنفکر مآبانه قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ای از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان، جهت‌گیری سیاسی مترقی انقلابی را با جهت گیری عاطفی در قضیه عاشــورا پیوند و گره زدند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را احیــا کردنــد و فهماندند که این، یک کار زائد و تجملاتی و قدیمی و منســوخ در جامعه ما نیســت؛ بلکه لازم است یاد امام حسین(ع) و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار - چه به صورت روضه‌خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون - باید به شکل رایج و معمول و گریه‌آور و عاطفه‌برانگیز و تکان‌دهنده دلها، در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قویتر هم بشود. ایشان، بارها بر این مطلب تأکید می‌کردند و عملا هم خودشان وارد می‌شدند.[1]

نرمی دل با بیان شرح حال

من خودم الان در ایام ماه محرم که نمی‌توانم روضه بروم و چون آن احســاس و

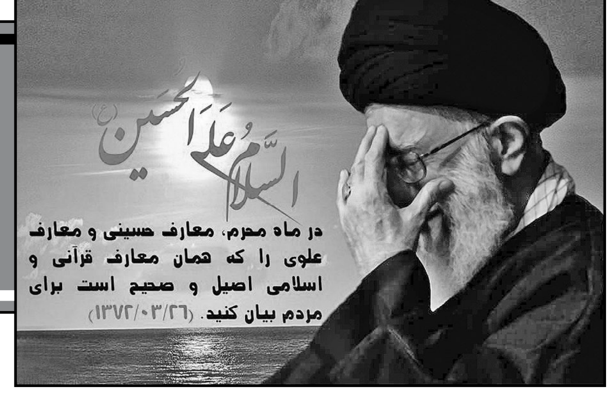

عشقی که در دل هر شیعه هست و دلش می‌خواهد در عزاداری شرکت کند، لذا من این را با خواندن «نفس‌المهموم» حاج شیخ عباس قمی - که یک کتاب عربی است -اشباع می‌کنم؛ این خودش گریه‌آور است و برای من کار چند نفر روضه‌خوان را می‌کند. حتما لازم نیست که عزاداری به همان شکل سنتی روضه‌خوانی باشد که اولش چیزی می‌خوانند و بعد هم احیانا آخرش دمی می‌گیرند و سینه‌ای می‌زنند؛ نه، شرح حال را بیان کنید؛ مثلا یک نفر با بیان خوب و لحن محزونی، وضع زندان رفتن حضرت موسی‌بن‌جعفر را بیان کند؛ حوادث تلخ زندان را بیان کند؛ بعد شهادت حضرت را بیان کند؛ بعد مراسم تشییع را بیان کند؛ در این صورت هر کس که آنجا نشسته باشد، دلش نرم می‌شود.[2]

قدمی در راه عروج

مرحوم حاجی نوری (رضوان‌الله‌علیه) کتابی نوشت درباره شرایط روضه‌خوان. «لؤلؤ و مرجان؛ در شرایط پله اول و دوم منبر روضه‌خوانان» اسم کتاب ایشان است. روضه‌خوانی هم شرایط دارد. مداحی هم شرایط دارد. نوحه سینه‌زنی خواندن هم شرایط دارد. باید کســانی که اینها را تهیه می‌کنند، می‌ســرایند و می‌خوانند، مواظب باشند که درست برطبق معارف اسلامی حرف بزنند تا این سینه‌زنی، این روضه‌خوانی و این نوحه‌خوانی، قدمی در راه عروج مردم به اوج قله افکار اســلامی باشد. این، امروز برای ما لازم است. باید سعی کنند که از اباطیل و مطالب خلاف و کارهای ناشایسته و بعضی از کارها که وهن مذهب است و حقیقتا شایسته دستگاه حسین‌بن‌علی(ع) نیست، اجتناب شود.[3]

نه برای وقت گذراندن

هم مردم و هم روحانیون، باید از این نعمت اســتفاده کنند. اســتفاده مردم این است که به مجالس عزاداری سیدالشهداء (ع)دل ببندند و این مجالس را - در سطوح مختلف - هرچه می‌توانند بیشــتر اقامه کنند. مردم باید مخلصانه و برای استفاده، در مجالس عزاداری حسینی شرکت کنند؛ نه برای وقت گذراندن، یا به صورت عامیانه‌ای، فقط به عنوان ثواب اخروی که نمی‌دانند هم این ثواب اخروی از کجا می‌آید؟ همه باید در این مجالس شــرکت کنند، قدر مجالس عزاداری را بدانند، از این مجالس استفاده کنند و روحا و قلبا این مجالس را وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هرچه محکمتر میان خودشان و حسین‌بن‌علی (ع)، خاندان پیغمبر و روح اسلام و قرآن قرار دهند. این

اگر بــرای ذکــر مصیبت، کتــاب «نفس المهموم» مرحوم «محدث قمی» را باز کنید و از رو بخوانید، برای مستمع گریه‌آور است و همان عواطف جوشان را به وجود می‌آورد. چه لزومــی دارد که ما به خیــال خودمان، بــرای مجلس‌آرایی کاری کنیــم که اصل مجلس عزا از فلسفه واقعی‌اش دور بماند؟!

از وظایفی است که در این خصوص مربوط به مردم می‌شود.[4]

ویژگی‌های منبرهای عاشورایی

در مجالس عزاداری ماه محرم، این ســه ویژگی باید وجود داشته باشد: ۱. عاطفه را نســبت به حسین‌بن‌علی و خاندان پیغمبر (صلوات الله علیهم) بیشتر کند. (علقه و رابطه و پیوند عاطفی را باید مســتحکم‌تر سازد.) ۲. نسبت به حادثه عاشورا، باید دید روشــن و واضحی به مســتمع بدهد. ۳. نسبت به معارف دین، هم ایجاد معرفت و هم ایجــاد ایمان - ولو به نحو کمــی - کند. نمی‌گوییم همه منبرها باید برخوردار از همه این خصوصیات باشند و به همه موضوعات بپردازند؛ نه. شما اگر یک حدیث صحیح از کتابی معتبر را نقل و همان را معنا کنید، کفایت می‌کند. برخی منبری‌ها، بعضی اوقات یک حدیث را آنقدر شاخ و برگ می‌دهند که معنای اصلی‌اش از بین می‌رود. اگر شما یک حدیث صحیح را برای مستمع خود درست معنا کنید، ممکن است بخش مهمی از آنچه را که ما می‌خواهیم داشته باشد. وقتی شما از روی یک تعبیر معتبر، راجع به یک آیه قرآن فکر و مطالعه کنید؛ به تنقیح آن بپردازید و برای مســتمع بیان نمایید، مقصود حاصل است.

اگر برای ذکر مصیبت، کتاب «نفس المهموم» مرحوم «محدث قمی» را باز کنید و از رو بخوانید، برای مستمع گریه‌آور است و همان عواطف جوشان را به وجود می‌آورد. چه لزومی دارد که ما به خیال خودمان، برای مجلس‌آرایی کاری کنیم که اصل مجلس عزا از فلسفه واقعی‌اش دور بماند؟![5]

قمه زنی، وهن تشیع

اینجانب می‌بینم که چگونه اخلاص و محبت مردم به ســالار شــهیدان حضرت اباعبدالله‌الحســین(ع) مــورد جفا در قضاوت‌های جهانی واقع می‌شــود، چگونه درک روشن‌بینانه آنان در اعتقاد به مقام والای اهل بیت(ع)، به خاطر بعضی اعمال جاهلانه، حمل بر اموری می‌شود که از ساحت شیعه و ائمه بزرگوارشان بسی دور است. می‌بینم که چگونه عزاداری بر جگرگوشگان زهرای اطهر(ع) مورد تبلیغ سوء دشمنان متعصب و تبلیغات‌چی‌های شیطان اســتعمار قرار می‌گیرد، می‌بینم که بعض اعمالی که هیچ ریشه دینی هم ندارد، بهانه به دست دشمن مغرض می‌دهد که بدان وسیله هم اسلام و

عزیزان من! مؤمنین به حسین‌بن‌علی(ع)! امروز حســین‌بن‌علی می‌توانــد دنیا را نجات دهد؛ به شــرط آنکــه با تحریف، چهره او را مغشــوش نکننــد. نگذارید مفاهیم و کارهــای تحریف‌آمیز و غلط، چشــم‌ها و دل‌ها را از چهــره مبارک و منور ســید الشــهدا (ع) منحرف کند.

تشیع را العیاذبالله به عنوان آئین خرافه معرفی کنند و هم بغض و عداوت خود را نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغات خود آشکار سازند.

شــیعه محب و مخلصی که در روز عاشــورا با قمه، سر و روی خود و حتی کودکان خردسال خود را خونین می‌کند آیا راضی است که با این عمل خود در روزگاری که هزاران چشم عیب‌جو و هزاران زبان بدگو، در پی بد معرفی کردن اسلام و تشیع است، عمل او را مستمسک دشمنی خود قرار بدهد؟ آیا راضی است که با تظاهر به این عمل، خون ده‌ها هزار جوان بسیجی صفت عاشق را که برای آبرو دادن به اسلام و تشیع و نظام جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شده است، ضایع سازد؟ آنچه از قول مراجع سلف (رحمةالله‌علیهم) نقل شــده است بیش از این نیست که اگر این کار ضرر معتنی‌به ندارد، جایز است؟ آیا سبک کردن شیعه در افکار جهانیان ضرر معتنی‌به نیست؟ آیا مخدوش کردن محبت و عشق شیعیان به خاندان مظلوم پیامبر(ص) و بخصوص شیفتگی بی‌حد و حصر آنان به ســالار شهیدان(ع) را بد جلوه دادن ضرر نیست؟ کدام ضرر از این بالاتر است؟ اگر قمه زدن به صورت عملی انفرادی در خانه‌های در بســته انجام می‌گرفت، ضرری که ملاک حرمت است فقط ضرر جسمی بود، ولی این کار علی رؤوس‌الاشهاد و در مقابل دوربین‌ها و چشم‌های دشمنان و بیگانگان بلکه در مقابل چشم جوانان خودمان انجام می‌گیرد.[6]

مقابله با کارهای تحریف‌آمیز

با تشــکر از همه افراد و آحادی که درخواســت ما را اجابت کردند و یک حرکت تحریف‌آمیز را از صفحه عزاداری عاشورا حذف نمودند، باز می‌خواهم بر روی همین قضیه تکیه کنم. عزیزان من! مؤمنین به حسین‌بن‌علی(ع)! امروز حسین‌بن‌علی می‌تواند دنیا را نجات دهد؛ به شــرط آنکه با تحریف، چهره او را مغشوش نکنند. نگذارید مفاهیم و کارهای تحریف‌آمیز و غلط، چشم‌ها و دل‌ها را از چهره مبارک و منور سید الشهدا(ع) منحرف کند. با تحریف مقابله کنید.[7]

نماز ظهر عاشورا

اهمیت دادن به نماز در ظهر عاشــورا و در میان مراسم سینه‌زنی و عزاداری، خود یک نقطه برجسته دیگر بود. ما همیشه از اینکه می‌دیدیم جوانان و مردممان، سینه‌زنی روز عاشورا را می‌کنند و نمازشان به نزدیک غروب می‌افتد رنج می‌بردیم. مردم اهمیت نماز و ذکر خدا و یاد الهی را در لابه‌لای مراسم عاشورا نشان دادند؛ لذا جای سپاسگزاری و تشکر دارد.[8]

عزاداری سنتی، عامل افزایش ارتباط عاطفی با سیدالشهدا(ع)

این عزاداری‌هائی که انجام می‌گیرد، این گریه و زاری‌ای که می شود، این تشریح حوادث عاشــورا که می‌شود، اینها چیزهای لازمی است. یک عده از موضع روشنفکری نیایند بگویند آقا، اینها دیگر لازم نیســت. نه، اینها لازم اســت؛ اینها تا آخر لازم است؛ همین کارهائی که مردم می‌کنند. البته یک شــکل‌های بدی وجود دارد که گفته‌ایم؛ مثل قمه‌زدن که گفتیم این ممنوع اســت، نباید ایــن کار انجام بگیرد؛ این، مایه دراز شدن زبان دشمنان علیه دوستان اهل‌بیت است. اما همین عزاداری متعارفی که مردم می‌کنند؛ دسته‌جات سینه‌زنی راه می‌اندازند، علم بلند می‌کنند، اظهار محبت می‌کنند، شــعار می‌نویســند، می‌خوانند، گریه می‌کنند؛ اینها ارتباط عاطفی را روزبه‌روز بیشتر می‌کند؛ اینها خیلی چیزهای خوبی است. این، اهمیت تبلیغ است.[9]

پی نوشت:

۱- ســخنرانی در دیدار با اعضای جامعــه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه وعاظ تهران و اعضای شــورای هماهنگی ســازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه ماه محرم، ۱۳۶۸/۰۵/۱۱
۲- بیانات در دیدار با اعضای «گروه ویژه» و «گروه معارف اســلامی» صدای جمهوری اســلامی ایران،۱۳۷۲/۱۲/۱۳
۳- بیانات در جمع علما، طلاب و روحانیان، در آستانه ماه «محرم»، ۱۳۷۲/۰۲/۲۶
۴- بیانات در جمع روحانیون استان «کهگیلویه و بویراحمد» در آستانه ماه محرم ، ۱۳۷۳/۰۳/۱۷
۵- بیانات در جمع روحانیون استان «کهگیلویه و بویراحمد» در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۳/۰۳/۱۷
۶- پاسخ به نامه امام جمعه اردبیل حجةالاسلام والمسلمین آقای مروج ، ۱۳۷۳/۰۳/۲۷
۷- بیانات در دیدار روحانیون و وعاظ در آستانه ماه محرم ، ۱۳۷۴/۰۳/۰۳
۸- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۱/۱/۱۶
۹- بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۰۹/۲۲

احیاگر اسلام ناب

سید محمدسعید مدنی

حال و هوای کوفیان

در مســیر حرکت به ســوی عراق، در منزلی به نام «الصفاح» (یا ذات عرق)، کاروان امام حسین(ع) به افرادی برخورد کرد که از کوفه به مکه می‌رفتند. یکی از آنها فرزدق شــاعر بود که از دوستداران اهل بیت به حساب می‌آمد. بعد از سلام و احوالپرسی، امام حسین(ع) از فرزدق درباره حال و هوای کوفه و شرایط آن سؤال کرد. فرزدق با تأسف و ناراحتی عرض کرد؛ از کوفه در حالی خارج شدم که قلوب مردم با تو بود، اما شمشیرهایشــان علیه تو! (قلوبهم معک، سیوفهم علیک) (تاریخ طبری، جلد ۴، ص ۲۹۰)

بسیار پیش آمده است که انسان برخلاف آنچه قلباً اعتقاد دارد و یا بر زبان دارد، آگاهانه یا از سر جهل و ناآگاهی عمل می‌کند. گروهی دانسته و از سر طمع و آز و جاه‌طلبی و عده‌ای که اکثریت هم هستند به خاطر حماقت و ناآگاهی و تحت تأثیر تبلیغات و القائات قرار گرفتن.

شرایط اجتماعی عصر امام حسین(ع)

در دوران امــام حســین(ع) و قیام کربلا، چنین شــرایطی به طور ملموس و تأســف‌انگیزی حاکم بود. در آن موقع نیز گروهی بودند که دانسته و آگاهانه، دین خود را تباه و آخرت را به دنیا فروخته بودند، و برای ارضای هوی و هوس و تمنیات نفســانی و پاســخ به جاه‌طلبی‌های غیر قابل مهار خود، عالمانه و عامدانه به جبهه باطل پیوسته و با قبول امارت و سروری فرزند فاسد معاویه، یعنی یزید، علیه جبهه حق و پرچمدار بی‌بدیل آن حسین بن علی(ع) شمشیر کشیده بودند. اینها مصادیق اصلی ســخن فرزدق شاعر هستند که به امام حسین(ع) عرض کرد، مردم کوفه و بسیاری از شیوخ و بزرگان آن با اینکه شک در حقانیت تو که نواده دلبند پیامبر(ص) هستی، ندارند، اما اکثراً به خاطر وعده‌هایی که عبیدالله داده و سیم و زری که خرج آنها کرده اســت به او پیوسته‌اند یا از ترس و ارعاب حاکم بر کوفه، با سکوت خود، روش و هدف این مرجانه را تأیید و حمایت می‌کنند. عمر بن سعد، چهره شاخص و مثال بارز کسانی است که هم از ترس از دست دادن موقعیت فعلی که احتمالاً با قتل او توســط ابن‌زیاد همراه بود، و هم به هوی وعده‌هایی که به او داده شده و به ویژه امارت ملک ری، با اینکه نیک می‌دانســت حسین(ع) کیست؟ و چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟... اما ســرانجام در برزخ انتخاب خود، رضایت یزید و امارت وی را بر خشــنودی خدا و یاری امام حسین(ع)، ترجیح داد و خود در چند جا و حتی در مذاکره با امام حسین(ع) به این بدبختی و گرفتاری نابودکننده اخلاقی، اعتراف کرده است! پیامبر(ص) فرموده‌اند که: «آخر مایخرج من قلوب الصدیقین، حب‌الجاه

همــه عاشــقان و پیــروان و عــزاداران حســینی(ع) باید هشــیار باشــند و اجازه ندهنــد دشــمنان و در راس همه منافقان و مســلمان‌نمایان متظاهر با همدستی افراد پرمدعا اما بی‌بصیرت، آلت دست دشمن، به هدف شوم خود برســند و محتوا و سیر این عزاداری‌ها و بزرگداشــت‌ها را به نفع خود تغییر دهند و... در این باره مسئولیت عالمان و اسلام‌شناسان و روشــنفکران متعهد و.. سخنرانان و ذاکران و... بیش از دیگران است!

(اخلاق در قرآن، آیت‌الله مکارم شــیرازی، ج ۳ ص ۱۳) وقتی آخرین چیزی که از قلوب صدیقین و راستگویان خارج می‌شود، «حب جاه» است، تکلیف امثال عمربن سعد که از آغاز مجسمه جاه‌طلبی بود و حتی قبل از جنگ صفین، پدرش، سعدبن ابی‌وقاص را که انزوا گزیده بود، برای تصاحب پست و مقام تحریک و او را به یاری کردن معاویه و جنگ با علی(ع) تحریض و تشویق می‌کرد!

وصف حال دشمنان امام حسین(ع)

در حادثه عاشورا از این نمونه‌ها فراوان است که افرادی در سپاه کوفه، آگاهانه و حتی ناراحت و گریان علیه امام حسین(ع)، شمشیر به دست گرفته و اقدام می‌کردند. «فاطمه بنت‌الحسین، دختر کوچک سیدالشهداء،

* نقل می‌کند که کســی تندتند گوشواره‌های مرا در می‌آورد و در همان حال به‌شــدت گریه می‌کرد. گفتم چرا گریه می‌کنی؟ گفت دلم به حال شما می‌سوزد، گفتم پس چرا غارت می‌کنی؟ گفت: اگر من نکنم دیگران خواهند کرد!... (به نقل از استاد شریعتی، از سرچشمه کویر، ص ۱۸۸).

گروه دوم ناآگاهان وحمقا بودند که تحت‌تأثیر تبلیغات بی‌امان و بمباران روانی و القایی حکومت ضدانسانی و ضداسلامی یزید، در تشخیص حق و باطل دچار گمراهی و تردید شده و بازیچه دست او شده و برخلاف اعتقادات خود گام برمی‌داشتند. تا آنجا که «شهرها برای کشته‌شدن حسین(ع) جشن گرفتند. همه‌جا سخن از پیروزی خلیفه بود و از خطری که صفوف یکپارچه مسلمانان را می‌شکافت و اختلافاتی که میان مســلمانان پدید آمده بود. این فضای فریبنده را دستگاه‌های تبلیغاتی یزید ســاخته بودند... دستگاه‌های تبلیغاتی که مردم را در جهان اسلام فریب می‌دادند، حسین(ع) را خارجی می‌شمردند. شریح قاضی [یکی از قضات و مفتیان دین به دنیا فروخته] در حکم خود می‌نویسد: حسین، از حد خود تجاوز کرده و آن‌گاه با شمشیر جدش کشته شد». (امام موسی صدر، سفر شهادت، ص ۱۸ و ۱۹)

راهبردهای تبلیغاتی پیچیده دشمن

تشــریح مکانیزم و نوع و نحوه عملکرد دســتگاه تبلیغاتی یزید که یکسره در کار از بین بردن تدریجی حقایق اســلام و نابودکردن یکی، یکی احکام اســلامی و در نهایت «زشت جلوه‌دادن چهره اسلام» بود، خیلی مفصل و پیچیده است و نیاز به بحث و مقالات جداگانه دارد، کوتاه ســخن آنکه جریان ضداســلام و رأس آنها بنی‌امیه، وقتی نتوانستند، به شکل رویاروی و بی‌نقاب، دین اسلام و دعوت فراگیر پیامبر خدا را نابود کنند، با زدن ماسک و نقاب مسلمانی و نفوذ در مراکز حساس حکومت که بعد از ماجرای سقیفه و به‌ویژه در دوران خلیفه سوم- آغاز شد و شدت گرفت، تلاش کردند اسلام را از ماهیت و معنا و جهت‌گیری خود، خالی و از آن جز اسم و ظواهری باقی نگذارند. به قول استاد شهید مطهری یزید «می‌خواست شکل اسلام حفظ شود و محتوا را خالی کند» (حماسه حسینی، جلد سوم ص ۲۴۸) آنها برای تحقق این هدف خود از همه امکانات و وســایل و مهم‌تر از همه ابزار تبلیغ و تطمیع و تهدید، نهایت اســتفاده را بردند و بسیاری را با پول و وعده و تطمیع، به استخدام خود درآوردند یا وادار به سازش کردند، و شجاعان مومنی را که حاضر به کنار آمدن با انحرافات و بدعت‌ها و توطئه‌های اموی و یزیدی نبودند، مثل حجربن عدی، رشــید هجری، میثم تمار، عمربن حمق و... را مظلومانه و به شکل فجیع به شهادت رســاندند. از همه بدتر رواج‌دادن تفسیرهای قلابی و انحرافی درباره قرآن و ســاختن احادیث جعلی از قول پیامبر (ص)، توسط علمای خودفروخته و مزدور، برای وارونه جلوه دادن حقایق دینی و اتفاقات تاریخی و در یک کلام باطل را حق و حق را باطل جلوه‌دادن بود. امام حســین(ع) در این‌باره فرموده است: «انی اخاف ان یندرس هذا الحق و ذهب» همانا من از این نگرانم که حق و حقیقت و دین خدا از بین برود. (الغدیر، ج ۱۱، ص ۲۸)

* ترویج و تبلیغ مکاتب و مسلک‌هایی به نام اسلام که با حقیقت اسلام و دعوت پیامبر خدا(ص) کوچکترین سنخیتی نداشت، مثل تصوف و قدریه و جبرگرایی و مرجئه... از اقدامات دستگاه تبلیغی و فرهنگی بنی‌امیه و یزید برای تحقق این هدف بود. تمام این مکاتب علی‌رغم تفاوت‌هایی که در ظاهر و بعضی آموزه‌ها داشــتند، از اسلام تعریفی را ارائه می‌دادند که، دین برای آخرت است و به درد آخرت مردم می‌خورد، و با دنیا کاری ندارد، و کافی اســت که انســان فقط در قلب خود به خدا ایمان داشته باشد، آن وقت با امید به عفو و بخشش خدای مهربان می‌توان دست به هر جنایت آلوده کند و برای اهداف دنیوی به هر خباثت و فریبی متوسل شود و...!

«هاشم معروف الحسنی» نویسنده لبنانی در این باره نوشته است: «امویان در راه ریشــه‌کن ساختن روح و هویت اسلامی، علاوه بر صرف مال و به‌کارگیری همه وســایل تهدید و ارعاب، مکاتب راویان و محدثان و افسانه‌ســرایان را نیز برای این منظور به خدمت گرفتند. ابوهریره، سمره‌بن جندب، کعب‌الاحبار و دیگران در راس مکاتبی قرار داشتند که معاویه آنها را برای جعل احادیث تاسیس کرده بود. مکاتب مذکور احادیث گوناگون را ســاخته و پرداخته کرده ، به پیامبر خدا نسبت دادند، که عمده‌ترین آنها قدح و عیب‌جویی نســبت به امیرالمومنان علی(ع) و خاندان او مربوط می‌شد. (جنبش‌های شیعی در تاریخ اسلام، ص۴۳۲)

آشکار کردن چهره واقعی اسلام ناب

در چنین شرایطی مرگبار و سنگین بود که امام حسین(ع)، یکه و تنها به میدان آمد و برای احیا دین خدا و اصلاح انحراف و فسادی که سر تا پای جامعه را از لحاظ اعتقادی و اخلاقی فراگرفته بود، به تنها ســلاحی که در اختیار داشت یعنی مرگ سرخ دست یازید، تا چهره واقعی یزید و بنی‌امیه را افشاء و توطئه‌های آنها را رسوا کند و به دنیا اعلام نماید «این مرد به رســالت اسلامی و ارزش‌های انسانی و هیچ چیز پایبند نیست و من برای همین قیام کردم و پنهان را به شما آشکار ساختم. اگر حسین نبود، یزید شناخته نمی‌شد...» (امام موسی صدر - سفر شهادت)

تاکید و توصیه بزرگان دین از ائمه دین گرفته تا علمای راســتین اسلام برای شــناخت و زنده نگاه داشتن اهداف قیام عاشــورا، وقتی معنا و ضرورت آن بیشتر احساس می‌شود که بعد از قیام امام حسین(ع) تا به امروز این ترفندها و توطئه‌ها برای تهی کردن اسلام از معنای خود و رواج مکاتب قلابی و فرقه‌ها و مذاهب دروغین، برای بدجلوه دادن اســلام به شــکل پیچیده‌تر و فنی‌تر در ابعاد وسیع‌تر و جهانی ادامه دارد، تا آنجا که تلاش شده است معنی و هدف قیام احیاگرانه و مصلحانه قیام حســینی(ع) را هم تحریف و یزیدوار، آن را از محتوی و هدف خالی و فقط اسمی از آن باقی گذارند. این دقیقا همان چیزی اســت که استاد شهید مطهری(ره) آن را ســومین مرحله شهادت امام حسین(ع) می‌داند.(حماسه حسینی، ج۳، ص۷۵) اهداف بنی‌امیه و یزید این بار با ســلاح‌های بیشتر و تکنیک‌های پیچیده‌تر و... به دنبال شــهید کردن هدف امام حسین(ع) هستند، به‌طوری که در ایام محرم، هر سال میلیون ها نفر در سراسر جهان، «حسین، حسین» بگویند، اما هرگز نفهمند و ندانند، این حســین کیســت؟ هدف و ماهیت قیام خونین او چه بود؟ و فرهنگ عاشورا، مبلغ و تبیین‌گر چه ارزش‌ها و آموزه‌هایی است و...

ترویج و تبلیغ مکاتب و مســلک‌هایی به نام اســلام که با حقیقت اسلام و دعوت پیامبر خدا(ص) کوچکترین ســنخیتی نداشت، مثل تصوف و قدریه و جبرگرایی و مرجئه... از اقدامات دســتگاه تبلیغی و فرهنگی بنی‌امیه و یزید برای تحقق این هــدف بود. تمام ایــن مکاتب علی‌رغم تفاوت‌هایی که در ظاهر و بعضی آموزه‌ها داشتند، از اسلام تعریفی را ارائه می‌دادند که، دین بــرای آخرت اســت و به درد آخرت مــردم می‌خورد، و بــا دنیا کاری ندارد، و کافی اســت که انسان فقط در قلب خود به خدا ایمان داشــته باشــد.

در این باره همه عاشــقان و پیروان و عزاداران حسینی(ع) باید هشیار باشند و اجازه ندهند دشمنان و در راس همه منافقان و مسلمان‌نمایان متظاهر با همدستی افراد پرمدعا اما بی‌بصیرت، آلت دســت دشمن، به هدف شوم خود برسند و محتوا و ســیر این عزاداری‌ها و بزرگداشــت‌ها را به نفع خود تغییر دهند و... در این باره مســئولیت عالمان و اسلام‌شناسان و روشنفکران متعهد و.. سخنرانان و ذاکران و... بیش از دیگران است!

چراغ راه

راهکارهای تقویت شناخت و عقلانیت

قال الامام الحسین(ع): «دراسةً العلم لقاح المعرفةً، و طول التجارب زیادةً فی‌العقل».

امام حســین(ع) فرمود: آموختن علم و دانش، نطفه بارور شدن شناخت و معرفت است، و تجربیات طولانی و بسیار مایه فزونی عقل و خرد است.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۸

حکایت خوبان

تضعیف دین حق توسط مردم دنیاپرست

امام حسین(ع) در روایتی هنگام سفر به کربلا فرمود: راستی این دنیا دگرگونه و ناشناس شده و خیرش رفته است. از آن جز نمی که برکاسه نشیند، و جز زندگی وبال‌آور چیزی نمانده، آیا نمی‌بینید که حق را به کار نمی‌بندند و از باطل دست نمی‌کشند، تا مومن به درســتی در مرگ و لقای خدا رغبت کند. راستی که من مرگ را جز ســعادت و زندگی با ظالمان را جز هلاکت نمی‌دانم. راستی مردم همه دنیا پرستند، و دین بر سرزبانشان اســت، و تا برای آنها وسیله زندگی است آن را می‌چرخانند، و وقتی به بلا آزموده شدند، دیندار کم است.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص۱۱۷

پرسش و پاسخ

فواید زیارت عاشورا

پرسش:
جایگاه، اهمیت، سندیت و آثار و فواید زیارت عاشورای امام حسین(ع) را بیان کنید؟

پاسخ:

درباره زیارت حضرت سیدالشهدا(ع) روایات فراوانی وجود داردو درخصوص زیارت عاشورای معروف، احادیث متعددی از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل شده است. (بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹۰) امام باقــر(ع) این زیارت را به یکی از اصحابش به نام «علقمة بن محمد حضری» آموزش داده است.

از آنجا که زیارت نوعی اعلام موضع و مشخص کردن خط فکری است و آثار سازنده عجیبی دارد، آنچه به عنوان متن زیارتی خوانده می‌شود، از نظر محتوا و جهت‌دهی، از حساسیتی ویژه برخوردار است. به همین جهت ائمه اطهار(ع) با آموختن نحوه زیارت به یاران خود، به این عمل سازنده جهت و غنای بیشتری بخشیده‌اند به گونه‌ای که زیارتنامه‌های رسیده از معصومان(ع)- مانند زیارت جامعه کبیره، عاشورا، آل یاسین و ناحیه مقدسه - گنجینه‌ای از تعالیم و آموزش‌های عالی آنان است.

زیارت عاشــورا- که از تعالیم امام باقر(ع) اســت - به سبب آثار ســازنده فردی و اجتماعی و بیان مواضع فکری و عقیدتی شــیعه و نشانه گرفتن خط انحراف، اهمیت ویژه دارد. شماری از دستاوردهای این زیارت عبارت است از:

۱) ایجاد پیوند معنوی با خاندان عصمت و تشدید علاقه و محبت به آنان

این محبت موجب می‌شــود، زائر آن بــزرگان را الگوی خویش سازد و در جهت همسویی فکری و عملی با آنان بکوشد همچنانکه در قســمتی از زیارت، از خدا می‌خواهد زندگی و مرگش را یکسره همانند آنان قرار دهد: «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد.»

از آنجا که این محبت به خاطر خداوند است - و خاندان عصمت از آن جهت که الهی و منسوب به اویند، محبوب واقع شده‌اند- مایه تقّرب به خداوند است.

در قســمتی از زیارت چنین می‌خوانیم: «اللهم انی اتقرب الیک بالموالاة لنبیک و ال نبیک».

۲) پیدایش روحیه ظلم‌ستیزی

تکرار لعن و نفرین بر ســتمگران در این زیارت، موجب پیدایش روحیه ظلم ســتیزی در زائر می‌شــود. او با اعلام برائت و نفرت از ســتمگران و ابراز محبت به پیروان حق و دوستان خاندان عصمت، پایه‌های ایمان دینی خود را مستحکم می‌کند. مگر ایمان چیزی جز حب و بغض در راه خدا اســت: «هــل الایمان الا الحب و البغض»؟ مؤمن واقعی در برابر ستم بی موضع نیست. از ستمگر نفرت و انزجار آشــکاری دارد و با مظلوم و جبهــه حق اعلام همراهی می‌کند: «یا اباعبدالله انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم.»

۳) دوری جستن از خط انحراف

در این زیارت، ریشه‌های ظلم هدف قرار می‌گیرد: «فلعن الله امةً اسست اساس الظلم و الجور علیکم اهل البیت و لعن الله امة دفعتکم عن مقامکم و ازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها». ستمی که در عاشورا تحقق یافت، در قلب تاریخ ستم ریشه دارد. این ظلم یک حلقه از حلقه‌های ستمی است که با انحراف مسیر اصیل خلافت آغاز شد.

۴) الهام گرفتن، درس آموختن و الگو قرار دادن اسوه‌های هدایت

در این زیارت آمده است: «فاسئل الله الذی اکرمنی بمعرفتکم و معرفةِ اولیائکم ورزقنی البرائة من اعدائکم، ان یجعلنی معکم فی الدنیا و الآخــرة و ان یثبت لی عندکم قدم صدق فی الدنیا و الاخرة». زائر پس از آنکه به حق معرفت پیدا کرد و ستم و ستمگر را شناخت و از آنان دوری جســت، با ثبات قدم در مکتب خاندان عصمت و پیروی عملی از آنان، خود را در مســیر ســعادت دنیا و آخرت قرار می‌دهد یعنی، اســوه‌ها و الگوهای هدایت را - که از ســوی خداوند منصوب شده‌اند- سرمشق خود قرار می‌دهد و همگامی با آنان را می‌طلبد.

۵) ترویج روحیه شهادت طلبی و ایثار و فداکاری در راه خدا
۶) احیای مکتب و راه و هدف خاندان عصمت
۷) ....

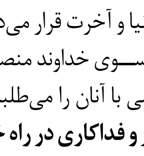

سلوک عارفانه

اقامه نماز در بحبوحه جنگ ظهر عاشورا

(بدان ای سالک راه خدا!) سیدالشهدا در همان ظهر عاشورا کــه جنگ بود و آن جنگ بزرگ بود، و همه در معرض خطر بودند، وقتی یکی از اصحاب گفت: ظهر شده است فرمود: که یــاد من آوردید، یاد آوردید نماز را، و خدا تو را از نمازگزاران حســاب کند، و ایســتاد همان جا نماز خواند. نگفت که ما می‌خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند. (۱)

۱- جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، ص ۷